ف، هیرمند ۲۰۱۵/۰۳/۰۸

زنان افغان و مصیبت «اذیت و آزار جنسی»

به مناسبت هشتم مارچ روز همبستگی زنان

فکر کردم، هیچ نوع تجلیل از روز هشتم مارچ، روز همبستگی زنان، بالخاصه زنان غیور و رزمندۀ کشور عزیز ما افغانستان از این مناسب تر نخواهد بود که به طور مسؤلانه و دلسوزانه به کاویدن علل و اگر ممکن گردد به جست وجوی راه حل بعضی از مشکلات اساسی و دردناک آنان پرداخته شود، یکی ازاین معضلات، مسئلۀ انواع اذیت و آزار آنان به خصوص اذیت و آزار جنسی میباشد، چنانچه در سال ۲۰۱۱ زنان و دختران کابل به دلیل به جان آمدن از معضلۀ اذیت و آزار خیابانی به تظاهرات پرداختند تا مقامات درجست وجوی یک راه حل جهت مصئونیت کرامت، حیثیت وعصمت آنان دست به کار شوند. در همین مسیردو هفتۀ قبل یکی از هنرمندان افغان زن، خطر را بر عهده گرفته و با زرۀ آهنین در بازار در برابر عابرین و عده ای از چشم چران ها ظاهر شد تا از پیامد های خطرناک معضلۀ اذیت و آزار جنسی به جامعه اش پیام و ندای داده باشد.
در این چند سال اخیراذیت و آزار خیابانی زنان و دختران در کوچه و بازار شهر های افغانستان مخصوصاً درشهر کابل چنان افزایش یافته که برای زنان و دختران کشور ما واقعاً به یک مشکل اساسی روزمره و یا حتی بیشتر از آن به یکی ازموانع جدی حضور زن درمجامع زندگی اجتماعی مبدل گردیده است؛ حین عبور از کوچه و محله بعضی از مرد ها، زنان و دختران را با کلمات و الفاظ مستهجن و رکیک بدرقه می کنند، از طرز لباس و یا بدن و تن ایشان جملات ناجائز وشرم آور میسازند و یا حتی جرئت لمس کردن را به خود داده و یا خویش را به جسم قربانی می سایند، و یا حتی در فرصت های مناسب به زنان دست اندازی می نمایند، چرا این اعمال روی می دهد؟ چرا بعضی از مردان چنین سقوط میکنند؟؟ و راه جلو گیری و تدبیر پایان دادن به این وضعیت روح خراش چیست؟؟ چرا بعضی از مرد ها یا مرد های جوان به اذیت و آزار زنان مبادرت می ورزند؟؟ علل بروز این انحراف اجتماعی چه خواهد بود، آیا اینها یا آزارگران به واقعیت عملی که به آن اقدام میکنند و به عواقب آن واقف هستند ؟،«عمل اذیت و آزار جنسی» چه نوع عملی است؟؟ اگر جرم است، چگونه از آن میتوان جلو گیری نمود، مگر آیا تدابیر صرف امنیتی برای زدودن این انحراف اجتماعی کافی است؟ ما چه تجاربی در زمینۀ این فعل در دسترس داریم این ها مسائلی اند که در این نوشتۀ مختصرزیر بحث قرار میگیرند.
قبل از همه باید دید سیما و چهرۀ عینی این عمل چگونه است، یعنی کدام افعالی باعث اذیت و آزار زنان و دختران و سایرین میگردد، و از این اذیت و آزار ها کدام های شان «جنسی» اند.
چرا این اعمال را به طور ساده «آزار و اذیت» یاد نمی کنند، که به آن پساوند «جنسی» را علاوه می نمایند ؟؟ پاسخ این است که شخص آزارگر یا آزار دهنده از این فعل خود به نوعی ازیک لذت جنسی مستفید می شود و یا میل غریزی جنسی بر او فائق آمده و او در حالیکه با استقرار کنترول خودی می تواند بر این غریزۀ خود مسلط شده و از آسیب رسانی جسمی، روانی و اخلاقی عمل خود نسبت به دیگران جلو گیری کند، اما بنابر اسبابی تن به ارتکاب این عمل می دهد.
ولی ما آزار و اذیت های دیگری را هم می بینیم که فاقد عنصر«جنسی» اند و به خاطر مقاصد معینی توسط آزار دهنده بر قربانی آن اعمال میگردد، این نوع آزار ها معمولاً افراد ضعیف و یا احیاناً زیردست را نشانه میگیرد، و یا صرف و فقط به خاطر تفریع و ریشخند به اذیت و آزار دیگران به عمل می آید، یا آزار دهنده یعنی فاعل عمل با فشار وارد کردن بالای قربانی اش بخش یا تمام حقوق آن را از وی تصاحب میکند، یا با آزار دادن وی می خواهد، موصوف را از سر راه خود بردارد، این چنین آزار، گاهی میتواند رنگ و ماهیت جنسی را نیز به خود بگیرد، مثلاً

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اگر قربانی یک زن ، یک کودک و یا یک جوان آسیب پذیر باشد، فاعل عمل ازهمین نقاط ضعف وی سوء استفاده کرده و بر او با آزار و اذیت جنسی فشار لازم را وارد نموده و به مقاصد خود دسترسی پیدا میکند .
منظور و نیت اصلی فاعل آزار و اذیت جنسی چیست؟ قصد اساسی آزار دهنده یگانه نبوده و مقاصد مختلف را دنبال می کند، این قصد از یک مشغولیت ناخوشانید و تفریعی می تواند منشأ بگیرد و با خنده های جنون آمیز و در پایان با تمسخر نمودن قربانی خاتمه یابد، قصد دومی ممکن است این باشد که فاعل به واسطهٔ این آزار و اذیت به یک نوعی، تمایلات غیر عادی غریزی خود را نوازش داده و به اشتیاق بیاورد و قصد سومی آغازی برای یک پلان جدی تر به منظور دستیابی غریزی به تمامیت جسمانی قربانی میتواند بود، یعنی فاعل جرم مساعی خود برای تجاوز جنسی را از اذیت و آزار های ساده شروع میکند.
« اذیت و آزار جنسی به آن رفتار ها و کردار های اطلاق می شود که توسط شخص آزار دهنده، به خاطر تمایلات و نیاز های جنسی بر علیه قربانی به عمل میاید، این رفتار ها هرگز با موافقت قربانی صورت نه گرفته و برای وی احساس هراس، حقارت، شرمندگی، انزجاز، نفرت و هراس شدید از آزار دهنده را ایجاد میکند و در صورت فرصت مناسب برای فاعل آزار، همچو یک طعمه تلقی شده و زمینهٔ سلطهٔ کامل بر تمامیت بدنی قربانی را برایش مساعد میگرداند و باعث وقوع جنایت "تجاوز جنسی" شده می تواند.»
گرچه عده ای به این تصور اند که نمای پیشرفته و تکمیل شدهٔ اذیت و آزار جنسی «تجاوز جنسی» باشد اما از نظر صنف بندی جرائم، نمی توان تجاوز جنسی را که در پهلوی جنایت ها قرار میگیرد، در کنار اذیت و آزار جنسی که در حد «جنحه» ها و ندرتاً «قباعت ها» (مواد ٢٤، ٢٥، و ٢٦ قانون جزاء) توصیف می شوند، هم ردیف دانست، زیرا این تخلفات ساده و ابتدایی و ناشیانه را که به آزار و اذیت جنسی اطلاق میگردد نمیتوان از لحاظ ماهیت و وخامت جنایت ها، در کنار آن ها قرار داده و عین فعل محسوب نمود.
اذیت و آزار جنسی به دلیل اینکه مخالف دساتیر عمومی و اجتماعی و مغایر با نظام معاشرتی، اخلاقی و ارزش های جامعهٔ انسانی میباشد و به سبب اینکه با ارتکاب این عمل به کرامت، عزت، حیثیت، عصمت تمامیت و سلامت روحی و روانی و گاهی هم با تعرض به تمامیت جسمی و بدنی قربانی آن می انجامد، حتی اگر این تعرض در حد یک لمس سادهٔ حصه ای از بدن قربانی به قصد دریافت لذت جنسی باشد، به حیث یک تخلف و جرم شمرده می شود با تذکرصریح این واقعیت که نظم عمومی اجتماعی را نیز شدیداً مختل می سازد. بعلاوه اذیت و آزار جنسی یک نوع خشونت است و «خشونت جنسی خشونتی است با خصلت جنسی و سلاح عریان و خالص برای تخریب و درهمریختن کامل شخصیت و تنزل آن در حد یک شی و یک برده» "مورئیل سلمونا" که در این زمینه تحقیقات خیلی با ارزشی دارد، تعریف فوق را از «خشونت جنسی» داده است و علاوه می کند که:« این خشونت با یا بدون تماس فزیکی به مجنی علیه توسط یک یا چند شخص ارتکاب می یابد، به طور اجباری، تهدید وغیر مترقبه»
گفته ها و رفتار های آگنده از اذیت و آزار جنسی به خصوص میسر گسترش نقش و سهم زنان را در تمام عرصه های عمومی و کار های اجتماعی سخت آسیب وارد میکند، زنان در زیر سلطهٔ دهشتناک ارعاب اذیت و آزار جنسی نمی توانند در همه مجامع اجتماعی حضور یابند و حتی اگر ریسک و خطر را هم برعهده گیرند، فامیل های آنان از سهم گیری نسوان ایشان در مجامع و امور اجتماعی و عمومی جلو گیری میکنند و بلاخره زنان به علت موجودیت مصیبت اذیت و آزار و جو و ماحول غیر مصئون و نا امن ناشی از آن از رشد باز مانده و تکامل عمومی جامعه، از انرژی و نقش سازندهٔ زن محروم می شود. این است که توجه به این معضله یک ضرورت مبرم در جهت توسعهٔ عمومی نیز خواهد بود.
آسیب های روانی ناشی از اذیت و آزار جنسی، خیلی وخیم بوده و قربانی را به تکالیف متعدد روانی مبتلا میگرداند، احساس وحشت دائمی، تنها بودن مطلق در برابر بحرانی که بر او رویداده است، انزجار از تمایلات حتی مشروع، طبعی و عادی خصایل غریزی انسان و بعضی آسیب های دیگر را ممکن به بار آورد.
«رفتار های اذیت و آزار جنسی» به صور متفاوت مشهود میگردند؛ ساده ترین های آن نگاه های حریصانهٔ توام با حرص غریزی به استقامت حصه های حساس قربانی خواهد بود. شکل دیگر آن صور بیانی، شفاهی دارند ؛ کلمات و جملات رکیک، جلف همراء با توقعات پنهان و آشکار غریزی به آدرس قربانی اذیت و آزار حواله گردیده و حکایت های از قصه های مقاربت های بدنی و جسمی که نباید گفته شود به قربانی شنوانده می شود و یا تصاویر و ویدیو های خلاف اخلاق عمومی، عریان و مرتبط به نزدیکی بدنی دوشخص و یا حتی حیوانات را به نمایش میگذارند ، و یا شوخی ها و مزاح های جلف و عریان حاوی مسائل جنسی را با قربانی شریک میسازند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

نوع سومی آن صورت و شکل فزیکی دارد؛ دستک بازی، لمس غیر معمول تمام حصه های جسم قربانی و تمایل زیاد به لمس و دسترسی به حصه های محرم و شرمگاه های شخص قربانی و یا حتی دست اندازی به همان حصه ها را دربر خواهد داشت، که مرحلهٔ خیلی وخیم اذیت و آزار جنسی را افاده میکند و در صورت مساعدت فرصت مناسب، ممکن به «تجاوز جنسی» بالای قربانی بی انجامد.
باید ایضاح کرد که آزار و اذیت جنسی از لحاظ چگونگی آن منحصر به آزار و اذیت، زنان به وسیلهٔ مردان نیست، این آزار و اذیت میتواند، توسط یک مرد به مرد دیگر ومعمولاً توسط افراد بزرگ سال به کودکان رُخ بدهد، کودکان متعلق به هر دو جنس مذکر و مونث قربانی اذیت و آزار جنسی بوده اند که مراحل ابتدایی «پیدوفیلی» (آزار جنسی کودکان) از همین اذیت های نوع جنسی آن آغاز می شود. اما در اکثر کشور ها تقریباً بیش از ۹۰ فیصد قربانی اذیت و آزار، زنان می باشند.
هجوم و تشبث به قلمرو روحی و تمامیت جسمانی یک فرد انسانی ماهیت تعرضی داشته و نوعی تخلف از حد معمول و طبعی روابط نظامند میان انسان ها میباشد، وقتی این رفتار با اثبات نیت و قصد (عنصر معنوی) آزار دهنده یا فاعل اذیت جنسی، توأم باشد، بدون شک ماهیت اصلی و زشت رفتار آزار و اذیت به وضاحت درک میگردد. به همین جهت از سال های ۱۹۷۳ در ایالات متحدهٔ امریکا اصطلاح اذیت و آزارجنسی harassement sexual را در ردیف اعمال مجرمانه به کار بردند.
در فرانسه نظر به یک قانون در سال ۲۰۱۲ اذیت و آزار جنسی (harcèlement sexuel) به حیث یک جُرم در حد «جنحه» تشخیص گردیده است، که مجازات آن در حالت عادی ۲ سال حبس و یا معادل ۳۰۰۰۰ هزار یورو جریمهٔ نقدی تعیین گردیده است، در صورت عناصرمشدده، وخامت و وضعیت ارتکاب جرم و یا متضرر شدن قربانی، این مجازات تا ۳سال حبس و یا جریمهٔ نقدی الی ٤٥۰۰۰ یورو اضافه شده می تواند، حالت ارتکاب جرم با خصایل تبعیض آمیز و ارتکاب جرم در محل کار و با استفاده از اتوریته کاری، از حالات مشددهٔ این جرم تثبیت شده است
در افغانستان در ماه مارچ ۲۰۱۳ «رهنمود نفی هرگونه تبعیض» در ارگان های محلی توسط ادارهٔ ارگان های محلی کشورما ترتیب گردید که از جمله حاوی نکات آتی می باشد:«- شامل تحقیر، توهین لفظی، اشارات و اظهارات زشت و تهدید آمیز، مزاحمت جنسی، تهمت و پخش شایعه
- نمایش پوستر، کارتون، عکس و نقاشی توهین آمیز، ارسال نامه های کتبی و الکترونیک و صفحات اینترنتی آزار دهنده به طرف مقابل
- تماس جسمی غیرضروری، بند انداختن راه رفت و آمد طرف مقابل، تعقیب، لت و کوب، سواستفاده و تجاوز جنسی
- برخورد تهدیدآمیز برای وادار کردن طرف مقابل به تن دادن به رابطه جنسی.
- جلوگیری از درج شکایت قربانی آزار جنسی به کمیته مربوط
- استفاده سو از اختیارات کاری علیه کارمندان پایین رتبه
- هر برخورد دیگری که بر صحت روانی و روحیه کاری کارمندان، تاثیر منفی بگذارد »
باید تصریح نمود که دولت افغانستان با طرح و انفاذ این رهنمود غیر مکفی، در ساحهٔ محدود اداره، سعی به مجادله علیه این مصیبت اجتماعی نموده است، سه انتقاد جدی که متوجه بعضی ازکوتاهی های مشهود این رهنمود میگردد، به این شرح خواهد بود : اولاً این رهنمود صرف در ساحهٔ اداره قابل رعایت خواند ه شده است، در حالیکه در برون از اداره نیز سر و صدا های زیاد قربانیان اذیت و آزار خیابانی که قریب به ۹۹ فیصد آنان زنان و دختران بوده و آزار های معطوف به آنها ماهیت جنسی دارند، معلق گذاشته شده اند و برای آنها راه و چاره ای در نظر گرفته نه شده است، ثانیاً محتوی رهنمود حائز نواقص جدی بوده و در کاربرد، اصطلاحات دقت کافی مسلکی به عمل نیامده است، در متن آن انعطاف های غیر ضروری نیز وجود دارند. ثالثاً از ماهیت جرمی بودن عمل اذیت و آزار جنسی تذکر صریح به عمل نیامده است و دیگر اینکه این رهنمود اگر هم سرتاسری می بود یعنی شامل حال تمام اعمال اذیت و آزار جنسی داخل و خارج اداره میگردید بازهم بنابر فقدان جدی حاکمیت قانون این تدابیر فقط در روی کاغذ خود نمایی میکرد.
علل ظهور و گسترش آزار و اذیت جنسی در شهر های وطن ما را، میتوان به علل اجتماعی و علل انفرادی و یا فردی دسته بندی نمود:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ

عروج و دوام سلطهٔ فرهنگ غیر مدنی اقشار بدون هویت اجتماعی مشخص، یا آنچه را که به نام فرهنگ "لومپنی" یاد گردیده است، مدت درازی است که در جامعه با خود داشته و با آن مواجه هستیم، طی بیشتر از ۳۵ سال است که اختلال در روابط اکثر آدم ها و نظام اقتصادی و اجتماعی شان مسبب آن گردیده است تا نظام اخلاقی و ضابطه یی جامعهٔ ما صدمات و آسیب های جدی را متحمل گردد، پدیده های مانند « افراد مسلح غیر مسؤل» ، «جنگ سالاران بی بند و بار و قانون شکن» و «زورمندان برون از دائرهٔ حاکمیت» صرف در حوزهٔ اخلال امنیت، سیاست، اقتصاد حضور نیافته اند، عده ای از هموطنان ما بنابر فاجعهٔ جنگ متداوم به دور از زندگی مدنی به نورم ها وضابطه های زندگی اجتماعی و مدنی دسترسی نداشته اند و جنگ، خود فرهنگ زندگی مدنی را درهم کوبیده است، عده ای از همین هموطنان ما در حوزهٔ فرهنگ نقش های مهمی را بازی کرده اند، مکالمات، اصطلاحات و لغت های شان به نسبت سال های گذشته بیشتر رواج داشته است، این فرهنگ در بی بند و باری جوان های روی کوچه وسرک به حد وافر اثرگزار بوده است. بحث شکسته شدن ارزش های معنوی اجتماعی خود مبحث بزرگی است که ممکن در شرح بسیاری از معضلات اجتماعی و اخلاقی امروزی، از آن به حیث یکی از عوامل بنیادی یاد گردد، این مقالت به دنبال تشریح شکسته گی ارزش های معنوی نخواهد رفت بلکه یکی از پیامد ها وماحصل آنرا به شناسایی خواهد گرفت.

بدون شک اسباب وعلل دیگری در این ظهور وعروج نا اخلاقی های غیر مدنی نیز ذیدخل خواهند بود، که در جایش از آنها به ترتیب یاد آوری خواهد شد؛ مثلاً عروج برق آسای زندگی شهری مگر بدون آگاهی ریشه یی از فرهنگ و معاشرت های شهروندی، عدم پابندی به هیچ یک از ثقافت مشخص، نزد آنهای که در جوامع برونی زندگی کرده اند، طوریکه نه دسترسی کامل و کافی به معاشرت های جامعهٔ مادری داشته و نه به پذیرش فرهنگ جامعه ای که در آن مقیم گردیده تن داده اند، یعنی آنهای که در کشور های دیگر زندگی فارغ از انقیاد های لازم اجتماعی و معاشرتی را پشت سر گذاشته و بعد به وطن برگشته اند، حامل خلای اخلاقی میتوانند بود، فهم ناصحیح از آزادی های مدنی انسان و جامعهٔ آزاد و دموکراتیک، فراموشی رعایت آداب و اخلاقیات داخل فامیل ها یا کاهش موقعیت و مدرج فامیل نزد اقشار فاقد هویت معین اجتماعی و زائل گردیدن تدریجی عناصرحرمتی و شخصیتی نزد همین قشر، فقدان مناسبات معمول و سالم اجتماعی میان نسل جوان دو جنس، مبدل شدن جنس لطیف به یک شکار دست نیافتنی نزد عده ای از جوانان نیز در این وضع ذیسهم خواهند بود. افزایش سرسام آور ارتکاب جرایم و یا شاید دلایل متعدد دیگر که کم و بیش دربروز و شیوع عمل « اذیت و آزارجنسی» نقش و سهم دارند

اذیت و آزار جنسی اسباب وعلل فردی نیز دارد؛ اشخاص مصاب به امراض متعدد انحرافات جنسی، زمینهٔ بروز حس متلزز شدن از اذیت و آزار جنسی را در فرد به وجود خواهد آورد، این انحرافات معمولاً از آگاهی های نادرست پیرامون مسائل جنسی منشأ میگیرد و یا ریشه در رفتار های نامساعدی دارد که حین کودکی با شخص مبتلا به مشتاق به دیگر آزاری جنسی به عمل آمده است که عکس العمل و بازده همان رفتار ها به صورت اذیت و آزار جنسی دیگران متبارزمی شود، غالباً علل بیمارگونهٔ بروز اذیت و آزار جنسی را دلیلی برای معافیت تعقیب این جرم نمی دانند.

سبب فردی، قربانی واقع شدن اذیت و آزار جنسی، ضعف و ناتوانی در دفاع از خود است که به اثر سرکوب روحیهٔ شخص در محیط اجتماعی خاصتاً در محیط فامیل پدید می آید، در همکوبیدن متداوم شخصیت فرد و زائل ساختن ارزش شخص در وی، ناتوانی و تسلیمی به نفوذ ناجائز دیگران در حوزهٔ حریم شخصی فرد را فراهم می سازد، در دوران فعلی که پیشبرد زندگی و مواظبت از آن مستلزم آگاهی ها و بیداری جدی میباشد، زنان و دختران را در تاریکی و ظلمت نا آگاهی و بی خبر نگهداشتن، و به اصطلاح آنان را سایه گی تربیه نمودن، جفای بزرگی برای آنان خواهد بود. فقدان اعتماد در محیط فامیلی و پنهان کاری های غیر ضروری و گاهی مضر باعث میگردد که اعضای فامیل مشکلات و مصیبت های که به آنها نازل میگردد با فامیل خود در میان نه گزارند، این وضع باعث می شود که فرد خود را تنها احساس کند و ترس بر وی مستولی شده و تن به نفوذ غیر بدهد و در برابر اذیت و آزار های جنسی منفعل بوده و تسلیم این رفتار های خرد کننده گردد و برای دفاع از خود به وسائل و امکانات لازم متوسل نشود.

برای جلو گیری از اذیت و آزار جنسی چه تدابیر اجتماعی را میتوان روی دست گرفت:

تدابیر اجتماعی جلو گیری از این مصیبت ویرانگر در گام نخست از دولت به عنوان عالیترین مظهر تکامل یک جامعهٔ سازمان یافته این انتظار برده می شود که در ترویج و تعلیم احترام به انسان، کرامت و عصمت وی در تمام مدارس و مکاتب اقدام مسؤلانه به عمل آورد و به هر انسان سرزمین ما اهمیت، وقار و ارزش شخصیتش را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ

شناسانده و به خود او و دیگران از رسانیدن صدمات مادی و معنوی به ارزش های متذکره هشدار بدهد، نظام تعلیمی ما باید به هموطنان ما، حرمت به خود و حرمت به دیگران را بیاموزاند، حس اعتماد و حس مسؤلیت را در آنان تزریق بنماید، چنان احساسی که هر افغانی در حفاظت عصمت و حیثیت یک هموطنش به همان حد پابند باشد که برای خود است و اصل «تقصیربه علت عدم کمک و نجات به شخص در حال خطر» را به همه معرفی و در وقتش از رعایت آن حساب بخواهد.
از راه رسانه های جمعی زمینه های تقاضای کمک به قربانیان اذیت و آزار جنسی را توضیح بنماید واز همین راه به افراد جامعه هشدار بدهد که ممکن خود ایشان یا فرزندان ایشان روزی به جای قربانی که صرف به تماشایش نشسته بودند، قرار داشته باشند.
باید در افغانستان، فعل اذیت و آزار جنسی همانند سایر کشور ها به صورت واضح وغیر قابل تردید، توصیف جرمی داده شده و از مجرمانه بودن آن به وسیلهٔ رسانه ها به عموم مردم شریف مملکت اخبار گردد و درقوانین مربوط با دقت و جزئیات تمام جرم اذیت و آزار جنسی تعریف شود و به همه ای آنانی که اشتیاق ارتکاب این عمل را دارند واضح ساخته شود که مجازات ها و تنبیهات و مجازات ارتکاب این فعل درحالت تکرار، یعنی بار دوم و سوم به قوت زیاد شدید خواهد بود
در دفعهٔ اول تنبیهات اجتماعی مانند کار در گروپ های خدمات عام المنفعه (پاک کاری و تنظیف شهر و کوچه و محلهٔ مربوط و یا سایر خدمات مماثل) ، در صورت حالات مشددهٔ عمل، حبس و مجازات های سنگین نقدی بر محکوم صادر و تطبیق گردد.
در کشور ما در قانون جزا، اذیت و آزار جنسی به طور مشخص شناسایی نه گردیده ولی بعضی مواد دیگر وجود دارند که تا زمان قانونی شدن تعریف کامل این جُرم می توان به استناد آن مواد، اذیت و آزار جنسی را در ردیف جرائم قرار داده و مجازاتی را بر آن حکم نمود.
توظیف محافظان عمومی، مانند پولیس و ژاندارم در محلاتی که فرصتی برای آزار و اذیت کنندگان فراهم شده میتواند. نصب کمره های ویدیو و مراقبت جدی از معبر های که زنان و دختران در آن عبور و مرور دارند، راه های سادهٔ حفاظت ازحرمت زنان خواهد بود، در میان محافظان باید زنان پولیس نیز حضور داشته باشند تا در درک حساسیت های قربانی همچو اعمال به آسانی قادر باشند. باید تیم مشخصی برای مبارزه با اذیت کنند گان ایجاد شده و نمرات تیلفون آنها در رسانه ها به دسترس شهروندان قرار داشته باشد.
نشر و تبلیغ محصولات رسانه یی جلف و ضد آداب معاشرت جامعهٔ ما که مبین عادی بودن آزار و اذیت زنان و دختران باشد در رسانه های همگانی مجاز نباشد.
شرایطی مساعد گردد که زمینه های شناخت مشروع، طبعی، ومعمول میان جوانان فراهم شود تا جو و فضای عادی و سالم میان نسل جوان به میان آید و آنان از مشکلات و اذیت و آزار های که ممکن برای شان عاید گردد، همدیگر را مطلع سازند باید فرصت های این همبستگی مشروع و سالم به میان بیاید، در جوامع بسته به دلائل گوناگون ارتکاب جرم اذیت و آزار جنسی به مراتب بیشتر خواهد بود در حالیکه در اجتماعات باز به سبب ساختار فرهنگی آن و پنهان نماندن و آشکار گردیدن جرائم و تشخیص و تعقیب آن، جرم اذیت و آزار، کمتر روی میدهد.
غیابت حاکمیت قانون در تمام عرصه های بحران زده یکی از علل محسوب می شود، جامعه به دسپلین معقول و جدی که قانون و حاکمیتش آنرا تأمین میکند، نیاز اشد دارد، در ساحهٔ مشکل وقوع اذیت و آزار جنسی نیز این عنصر تأمین حاکمیت قانون یکی از وسائل لازم و ضروری اصلاح این عرصه به حساب می آید.
دولت اصولاً مسؤل حفاظت نوامیس، جان و مال شهروندان میباشد؛ باید صلاحیت و قدرت اجرایی مراجع حفاظت حقوق شهروندان چنان ارتقا یابد که مردم با اطمینان کامل در مصئونیت داشته های مادی و معنوی شان به سر ببرند.
تأسیس اجتماعات و انجمن های صنفی و مسلکی میان شاگردان مکاتب و محصلان فاکولته ها ومؤسسات تعلیمی و مجادلهٔ سنجیده شده برعلیه اذیت و آزار خیابانی و جنسی، از درون خیلی مناسب و مؤثر به نظر میرسد، این انجمن ها اگر از یک سوامکان بزرگی را برای ترویج و تقویهٔ معاشرت زندگی مدنی و آداب شهروندی قاعده مند فراهم می نمایند از سوی دیگر فرصت ها و تدابیر مدافعهٔ جمعی را در برابر اذیت و آزار در اختیار قرار میدهند و احیاناً اگر فردی مورد آزار و اذیت قرار گیرد به سهولت و به صورت دسته جمعی و نظامند مرتکب آن مورد تشخیص و بازپرسی قرار گرفته می تواند، وسیلهٔ انجمن های صنفی و مسلکی مجموعه ای از امکانات فامیلی، فردی و رسمی خواهد بود که در برابر اذیت و آزار زنان سد محکمی به حساب خواهد آمد، این انجمن ها خواهند توانست از سایر

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ

تشکل ها و موسسات جامعۀ مدنی کمک های عملی استمداد جسته و از تجارب آنها در کار و روش خود از آن استفاده نمایند. افراد آزار دیده(مجنی علیه) در موجودیت چنین انجمن های احساس لاچاری و تنهایی نه خواهند کرد، خواهران و مادران ما می توانند در این انجمن ها نیروی عمرانی و دفاعی شانرا برای حراست از عصمت خود منسجم ساخته و سازمان بدهند، تمایلات سیاسی نباید این انجمن ها را به اجبار ماهیت سیاسی داده و اهداف اصلی آن انجمن ها به باد فراموشی سپرده شود، امری که گاه گاهی درساحۀ کار و زار چنین انجمن های حس می شود.
تدابیر فامیلی و فردی برای جلوگیری از وقوع اذیت و آزار جنسی و غیر جنسی چه برای آزار دهنده و چه برای موقف قربانی آزار، خیلی حیاتی خواهد بود تا بزرگان فامیل به فرزندان، نظام ناموسی جامعه را و نظام ناموسی خود فامیل را بشناسانند و آنان را آگاه بسازند که احترام و رعایت کرامت و عصمت دیگران ضمانتی است در حراست از کرامت و عصمت خودی، و به فرزندان روشن بسازنند که به تحقیر و نثارکردن الفاظ رکیک به دیگران هرگز و هرگز زورنمایی و بزرگ نمایی نه کنند و ممکن است روزی خود ایشان، خواهر ایشان، مادر و یا همسر ایشان محل این اعمال قرار گیرند، به آنان ارزش های عمومی جامعه را که نظم و سلامتی همه در گرو آن است، باز شناسانده و آنها را به رعایت این نظم به طور باورمندانه مکلف بسازند.
محیط فامیل باید چنان شفاف و سر شار از اطمینان باشد و فرزندان چنان با روحیۀ اعتماد مجهز باشند که هر مشکلی ولو هر معضله ای که به آن بر بخورند در فامیل آنرا درمیان بگذارند و فامیل در حل و رفع معضله با دقت تمام فرزند را کمک کنند در صورت ناتوانی در حل مشکل باید به مراجع قانونی دولتی مراجعه کنند ومراجع باید با دلسوزی و مسؤلیت در حل همچو معضلات راه های مؤثر را در پیش گیرند.
فامیل باید در فرزندان روحیۀ قوی دفاع و مقاومت را پرورش و تقویه نماید و فرزندان را بگذارند که در محیط اجتماعی به طور محتاطانه بدون آنکه قربانی کدام آفتی قرار گیرند، خوب و بد را خوب بشناسند، آمار نشان میدهد که کودکان و نوجوانان چشم و گوش بسته بیشتر قربانی، اذیت و آزار و جرائم جنسی قرار گرفته اند.
فرد نباید در حالاتی که معروض به کدام خطری می باشد، خود را تنها احساس کند و یا حتی زمانی که قربانی یک عمل مجرمانه واقع می شود، نباید خود را از دست بدهد و مقاومت را کنار گذاشته تسلیم ظلم و تعرض گردد. مقاومت و مجادلۀ آگاهانه راه اصلی حل معضله هاست.
ارزیابی اذیت و آزار از طریق ارتباطات دیجیتلی و شبکه های اجتماعی مستلزم تحقیق جداگانه می باشد.

پایان

مأخذ:
۱ - قانون جزای افغانستان
۲ - رهنمود نفی هر گونه تبعیض در ارگان های محلی افغانستان
۳ - زمینۀ جامعه شناسی نیم گف
٤ - Le livre noir des violences sexuelles de Dr muriel salmona
٥ - نظرات داکتر مورئیل سلمونا در مورد قانون جدید بر ضد اذیت و آزار جنسی۲۰۱۲ فرانسه (متن فرانسوی)
٦ - Victimes de harcèlement sexuel se défendre, de kédia M saouraud
۷ - روانشناسی اجتماعی از یاکیموویچ
۸ - نوشته ها و مقالات دیگرپیرامون ویکتومولوژی(مجنی علیه شناسی)
۹ - جرائم علیه اشخاص

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ